

مرحوم محمد تقی جعفری

خاطراتی در توصیف حوزه نجف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خاطراتی در توصیف حوزه نجف

ما رفتیم نجف و چه نجفی!

آن دوران و آن خاطرات واقعاً باید یک جلد مستقلاً یک کتابی نوشته شود!
چه اساتیدی! چه مردان بزرگی! خدا می‌داند گاهی الان فکر می‌کنم
می‌گویم خدایا این رؤیا بود؟! چه بود؟!

ما وقتی رسیدیم نجف در حدود حداقل چهل نفر فقیه عالی قدری که قطعاً
توانایی مرجعیت داشتند، مرجعیت مطلق! مانند مرحوم آیت‌الله شیخ
محمدکاظم شیرازی، مانند آیت‌الله شیخ موسی خوانساری، سید محمود
شاهرودی، سید عبدالهادی شیرازی و شیخ محمدعلی کاظمینی خراسانی،
عده‌ای از آقایان عرب‌ها، سید محسن حکیم، حاج شیخ مرتضی آل یاسین،
و عجیب بود که نجف پر بود از این مردان بسیار بزرگ!

نجف، فقه و اصولی که ما شروع کردیم، تقریباً اواخر متن را تمام کردیم و
درس شیخ حاج کاظم شیرازی اولین درس خارج بود که من رفتم خدمت

مرحوم حاج شیخ کاظم شیرازی بود. خاطره‌ای از ایشان عرض می‌کنم که هم شاید برای دانشگاه بسیار مفید باشد و هم برای حوزه. درس ایشان بودیم. آن موقع که من می‌رفتم، آیت‌الله شیخ محمدتقی بهجت که الان قم هستند، ایشان در درس مرحوم شیخ کاظم شیرازی بودند و حاج شیخ کاظم خیلی بهشان اهمیت می‌داد در درس؛ خوب یادم هست؛ و وقتی ایشان سؤالی مطرح می‌کرد مطلبی را می‌گفت، حاج شیخ کاظم با تمام قوا متوجه ایشان بودند! به هر حال در درس، شیخ محمدتقی بهجت بود.

یکی از طلبه‌هایی که تازه آمده بود، یکیش کاری کرد، کارش خیلی مهم نبود، یکی از آقایان گفت که آقا بی‌ربط نگو! مرحوم حاج شیخ کاظم فرمود که آقا جان شما وقتی که صحبت‌هایت را شروع کردی از اول باربط گفتی؟ خب شما بی‌ربط گفتی! هر کسی اول که شروع می‌کند اول از بی‌ربط شروع می‌کند تا به باربط برسد! عرض شود این ادب تعلیم و تربیت نیست! بگذارید حرفش را بزنند مطلبش را بگویند، یک روز، دو روز، سؤالاتش پایین هست، می‌رسد به سؤالات بالا!

این دوران، فقه و اصول را به حمدالله و الطاف خداوندی اساتید خیلی برجسته بودند. از من هم صاحب نظر بودند انصافاً.

عرض کردم آقا شیخ حسین اصفهانی و آقا ضیاء را ندیدم، چون رسیدم نجف دو هفته سه هفته بود که این‌ها از دار دنیا رحلت کرده بودن و به ابدیت پرواز کرده بودند، رحمت الله علیهما.

شیخ مرتضی طالقانی بود که در بعضی از مصاحبه‌ها در بعضی از نوشته‌ها هم عرض کردم، این مرد واقعاً از وارستگان و از برازندگانی بود که هم درس صرف می‌گفت که ابتدایی‌ترین درس طلبگی، اونموزج می‌گفت، سیوطی می‌گفت، درس خارج هم می‌گفت و اسفار هم می‌گفت.

شما از این جا احصاء بفرمایید که چقدر باید انسان اوج بگیرد برود کلاس اول ابتدایی درس بگوید، بعد هم مثلاً دانشگاه و دوره خارج هم درس بدهد! این خیلی نفس بزرگی می‌خواهد! خیلی، خیلی!

در آن دوران مثلاً یادم می‌آید دکتر علی مصطفی مشرفه، نظریه نسبت انیشتین را هم از نگاه فیزیکی هم از نگاه فلسفی، آن موقع که ما نجف بودیم ترجمه کرد و البته ما از نگاه فلسفی می‌توانستیم یک نگاهی کاری با آن داشته باشیم، یعنی روی آن کار کنیم. در صورتی که در ایران هنوز ترجمه نشده

بود! بعدها دانشمند محترم و دوست بسیار عزیزمان آقای احمد آرام، چند سال بعد بود که او ترجمه کرد.

در آن موقع ما در فقه و اصول بسیار عرض شود که با عشق و علاقه شدیدی پیش می‌رفتیم و من خارج مکاسب را در نجف شروع کردم و آن جا یک مقدار خارج مکاسب را گفتم. به هر حال در حدود ۲۳ ساله بودم که اجازه اجتهاد از طرف مرحوم آیت‌الله شیخ کاظم شیرازی به وسیله دامادشان برای بنده فرستادند و ما هم بوسیدیم گذاشتیم روی چشم‌مان، و بعدها هم سال ۱۳۸۰، مرحوم آیت‌الله میلانی در مشهد، ایشان هم بله اظهار محبت‌ها فرمودند. یک مقدار اعصابم ضعیف شد در نجف، مجبور شدم ایران بیایم.

اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ وَأَقِمْنَا بِخِدْمَتِهِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْأَيْمَةِ عَلَيْهِ السَّلَامُ



@aparate.com/be
_sooye_zohoor



v_bagherpour_
kashani



@seratehagh1



besouyezohour



bagherpoor-
kashani.com/



@serat12k



youtube.
com/c/seratehagh



https:
//naakhodaa.ir